

۱۵ خرداد  
نقطه عظمی  
ویژه نامه قیام خونین ۱۵ خرداد ۴۲



خبر نامه اطلاع رسانی داخلی  
دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم  
ویژه نامه قیام خونین ۱۵ خرداد سال ۴۲



قیام خونین



مبدا جنبش اسلامی مردم ایران علیه استبداد و استعمار به رهبری امام خمینی



# ۱۵ خرداد

## امام خمینی (ره):

### من این روز را بزرگ میبشم عزای عمومی اعلام می کنم.



#### ریشه ها و دستاورد های قیام ۱۵ خرداد ۴۲

«... ۱۵ خرداد را متن مردم با انگیزه اسلامی و با انگیزه عشق به روحانیت و با انگیزه عشق و ایمان به امام خودشان به وجود آوردند و ستون فقرات حادثه ۱۵ خرداد علاقه به اسلام و امام بود و مردم بودند که این حرکت را میدان دادند و به وجود آوردند. پس آنچه در ۱۵ خرداد به وجود آمد، عبارت بود از پیوند مستحکم ملت و امام آن هم به برکت اسلام...»

از سخنان حضرت آیت الله خامنه‌ای امام جمعه موقت تهران - در خطبه‌های نماز جمعه ۱۸ خرداد ۱۳۶۳.

در تاریخچه زندگی سراسر حماسه و مبارزه امام خمینی علیه رژیم پهلوی و حامیان امریکایی و صهیونیستی آن، نهضت ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ یک نقطه عطف محسوب می‌شود، به طوری که انقلاب اسلامی ایران را تداوم نهضت ۱۵ خرداد می‌دانند. قیام ۱۵ خرداد، مبارزه‌ای بود که سه عنصر اسلام، امام خمینی و مردم، پایه‌ها و عوامل اصلی تشکیل آن بودند.

مقاله زیر به تشریح زمینه‌ها، جزئیات و نتایج قیام اسلامی ۱۵ خرداد پرداخته است.

#### ریشه‌های شکل گیری

انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۹۶۰ آمریکا که به روی کار آمدن دمکراتها به رهبری کندی منجر شد، با تغییراتی در سیاست خارجی آن کشور همراه شد. کندی بر خلاف پیشینیانش معتقد به سیاست انعطاف پذیرتر در رویارویی با بحرانهای به ویژه کشورهای جهان سوم بود. او معتقد به پیمانهای اقتصادی به جای نظامی، فعال سازی قوای امنیتی و اطلاعاتی به جای استفاده از ارتش و تقویت برنامه‌های فرهنگی از قبیل سپاه صلح، ترویج انتخابات کنترل شده و دمکراسی‌های هدایت شده و... بود.

روی کار آوردن دولتهای غیرنظامی دست نشانده از جمله ابزارهای دولت کندی برای رسیدن به این هدف بود. در بعد اقتصادی نیز ایجاد طبقه متوسط، به راه انداختن صنایع وابسته و مونتاژ و گسترش اقتصاد مصرفی از برنامه‌های اصلی بود. لازمه رونق اقتصاد سرمایه‌داری، داشتن بازار مصرف گسترده و قدرت خرید بیشتر مردم است و برای رسیدن به اهداف اقتصادی می‌بایست ساختار سیاسی - اجتماعی مناسبی فراهم شود. در این میان در ایران که شاه - پس از کودتای ۲۸ مرداد - خود را مدیون امریکا می‌دانست برای ادامه سلطنت، علیرغم میل باطنی خود از سیاست‌های جدید کندی راه‌گزینی نداشت.

محصول این سیاست روی کار آوردن دولت شریف امامی و طرح شعارهای آزادی احزاب و فضای باز سیاسی و اصلاحات اداری بود. اما وی چندان مورد تایید کندی نبود و هیأت حاکمه جدید امریکا بر روی علی امینی حساب ویژه‌ای باز کرده بود.

امینی در ۱۷ اردیبهشت ۱۳۴۰ به نخست وزیری منصوب شد و شعار مبارزه با فساد و همچنین انحلال مجلس، اولین ژست وی برای ایجاد اصلاحات مورد نظر امریکا بود. در این راستا قانون موسوم به «اصلاحات ارضی» در

دی ۱۳۴۰ مورد حمایت مقامات امریکایی قرار گرفت و سپس برای تأمین هزینه این «انقلاب» کنسرسیوم نفت، با اشاره امریکا تولید نفت را افزایش داد و ایران را به سومین صادرکننده نفت جهان رساند.

با این حال امینی با توجه به تجارب دوران حکومت مصدق، بر کنترل ارتش نیز اصرار داشت، چیزی که مخالف خواست شاه بود. این اختلاف به تدریج عمیق تر شد. در پی سفر فروردین ۱۳۴۱ شاه به امریکا و اطمینان دادن وی به کندی در مورد اجرای برنامه‌های مورد نظر واشنگتن، باعث شد کندی با تغییر دولت در ایران به عنوان راه تضمین حکومت شاه موافقت نماید. در نتیجه شاه در بازگشت دولت امینی را برکنار و در ۲۸ تیر ۱۳۴۱ اسدالله علم را جایگزین وی کرد. از این رو دوران حکومت علم سرآغاز یکپارچگی در ساختار حکومت شاه و شروعی در دیکتاتوری مطلق وی در کشور بود.

در ۱۶ مهر ۱۳۴۱، اولین اقدام دولت علم در جهت اجرای سیاست‌های جدید اعلام شد و لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی در هیأت دولت به تصویب رسید. این لایحه در غیاب مجلس، حکم قانون را داشت و در واقع، زمینه سازی برای لوایح و قوانین دیگر بود.

این لایحه که در آن به لزوم حذف اسلام از شرایط نمایندگی مجلس و لزوم سوگند به «کتاب آسمانی» به جای قرآن و همچنین به ضرورت آزادی زنان در فعالیتهای اجتماعی اشاره شده بود، مقدمه‌ای برای اسلام‌زدائی و محو ارزشهای اسلامی در جامعه ایران بود. لایحه با مخالفت قاطع و سرنوشت ساز حضرت امام به همراه اعتراضات مکرر علماء، وعاظ و مراجع، ارسال نامه‌های سرگشاده به شاه و مقاومت مستمر در برابر توطئه «حذف اسلام» و تضعیف دین و روحانیت به شکست انجامید و علم به ناچار در آذر ۱۳۴۱ طرح خود را پس گرفت.



۱۵ خرداد سه عنصر وجود داشت. یکی عنصر مردم بود، یکی عنصر رهبری و امام بود و سومی عنصر انگیزه‌های مذهبی و روح شهادت طلبی و شاکاگری برای خدا بود. توطئه‌های انقلابی ما با این سه عنصر مستقیم و هم‌دوره انجام شد.  
حضرت آیت الله خامنه‌ای

و کلیه علمایی که به نحوی در راهاندازی این حرکت‌ها سهیم باشند، دستگیر خواهند شد. او گفت: «اگر متأسفانه لازم باشد که انقلاب بزرگ با خون یک عده بی گناه، یعنی مأموران دولت و یک عده بدبخت گمراه متأسفانه آغشته شود، این کاری است که چاره‌ای نیست و خواهد شد.»

ماه محرم از راه می‌رسید و رژیم تردید نداشت که در این ماه سخنگویان مذهبی پیرو امام از جنایتهای دستگاه سلطنت سخن خواهند راند. ساواک برای پیشگیری از آنچه در وقوعش شکی نبود، جمعی از گویندگان مذهبی را احضار کرد و با تهدید و ارعاب به آنان یادآور شد که در سخنان خود سه مطلب را رعایت کنند:

۱- بر ضد شخص شاه مطلبی نگویند.  
۲- از اسرائیل و آنچه مربوط به اسرائیل است، مطلبی گفته نشود.

۳- نگویند اسلام و قرآن در خطر است و دستگاه را ضداسلامی نخوانند.

زمانی که امام از این امر مطلع شدند، با صدور بیانیه‌ای خطاب به واعظ و گویندگان دینی چنین هشدار دادند: «این التزامات علاوه بر این که ارزش قانونی نداشته و مخالفت با آن هیچ اثری ندارد، التزام گیرندگان مجرم و قابل تعقیب هستند... سکوت در این ایام، تأیید دستگاه جبار و کمک به دشمنان اسلام است.»

با صدور این بیانیه، تحرک تازه‌ای در بین واعظ و روحانیون پدید آمد تا در شهرها و روستاها، جنایتهای رژیم را افشا کنند.

راهپیمایی‌های مذهبی و شعارهای تند انقلابی علیه رژیم و در طرفداری از مواضع امام در تهران و شهرستانها هر روز گسترش می‌یافت و این موج به ویژه پس از سخنرانی پرشور امام در روز عاشورا در فضیبه شتاب بیشتری به جریان جاری در قم، تهران و سایر شهرستانها داد. چنانکه به رغم دستگیری روحانیون انقلابی و ایجاد محیط رعب و وحشت، شب یازدهم محرم، تظاهرات باشکوهی از طرف دانشجویان دانشگاه تهران برگزار شد.

همچنین روز یازدهم محرم در مسجد شاه (مسجد امام خمینی) نیز مجلس باشکوهی ترتیب یافت و شعارهایی چون «خمینی، تو فرزند حسینی» در فضای مسجد طنین افکند و تظاهرکنندگان سپس به حرکت درآمدند و با گذشتن از خیابان ناصرخسرو، وارد خیابان فردوسی شدند و در مقابل سفارت انگلیس اجتماع کردند و سخنرانان به افشاگری علیه رژیم پرداختند. در این شرایط و با همه گیر شدن تدریجی مخالفت با حکومت شاه و برنامه‌های ضد اسلامی آن، رژیم تنها چاره کار را دستگیری امام دانست.

### ۱۵ خرداد

ساعت چهار صبح روز ۱۲ محرم (۱۵ خرداد ۱۳۴۲) نیروهای امنیتی و انتظامی، پس از محاصره منزل امام در



ادامه یافته بود.

### ویژگی‌های قیام ۱۵ خرداد

نهضتی که به رهبری امام خمینی در مقام مرجعیت در ۱۳۴۱ از درون حوزه علمیه قم آغاز شد، هرچند در یازدهم خرداد ۱۳۴۲ به صورت بیرحمانه‌ای توسط رژیم سرکوب شد، اما نابود نشد، بلکه بذری شد که در خاک سرزمین افشاندۀ گشت و پس از پانزده سال که مردم مسلمان ایران با تحمل سختی‌ها و مرارتها آن را با اشک و خون آبیاری کردند، سرانجام در بیست و دوم بهمن ۱۳۵۷ سر از خاک برآورد و سبز گشت و شکوفه کرد و ثمر داد.

رژیم شاه و حامیان امریکایی او گمان می‌کردند می‌توانند با اعمال خشونت و افزایش کنترل‌های پلیسی و امنیتی، نهضت یازدهم خرداد را ریشه‌کن سازند و به فراموشی بسپارند. پس از یازدهم خرداد رژیم در دادگاه‌های نظامی خود، گروهی از کسانی را که مانند سایر مردم مسلمان در مبارزه شرکت داشتند به محاکمه کشید و با اعدام دوتن از بارفروشان تهران به نام‌های «طیب حاج رضایی» و «حاج اسمعیل رضایی» که از پیروان امام خمینی بودند، اولاً کوشید تا آنان را عامل اصلی حرکت پانزده خرداد قلمداد کرده، و ذهن مردم را از عظمت و اهمیت نهضت و رهبری آن منحرف سازد و ثانیاً با نشان دادن آشکار و وسیع واقعه اعدام آنان به توده مردم، قدرت نمایی کرده و مردم را بترساند. اما نهضت اسلامی امام(ره) که از فرهنگ الهی چهارده قرن اسلام تغذیه می‌شد و بر تجربه لاقفل یکصدساله ملت ایران از مبارزه مستقیم با استبداد و استعمار استوار بود خاموش نشد و با نفوذ در عمق جامعه و گسترش در سراسر ایران، سرانجام دوباره شعله‌ور گردید و موجب انفجاری عظیم گشت که به عمر دوهزار و پانصدساله نظام شاهنشاهی در ایران خاتمه داد. برای آشنایی بیشتر با تحولی که در فاصله سالهای ۴۲ تا ۵۷ در ایران روی داد، لازم است به ویژگی‌های قیام پانزده خرداد که به انقلاب اسلامی ایران منتهی شد اشاره کنیم.

الف: اسلامی شدن مبارزه: پانزده خرداد سرآغاز جنبشی در میان مردم ایران شد که صد در صد اسلامی بود. اسلامی بودن این جنبش به صورت کاملاً مشخص در شخصیت رهبر آن که مرجع تقلید و فقیه و زعیم حوزه علمیه قم بود جلوه‌گر شده بود. با رهبری امام خمینی افسانه جدایی دین از سیاست که دهها سال توسط رژیم و دشمنان اسلام تبلیغ شده بود، عملاً باطل شد و مردم مسلمان ایران در مبارزه‌ای قدم نهادند که ادامه آن برای آنها مانند نماز و روزه، شرعاً واجب بود. ایندولوی و مکتب این مبارزه، اسلام بود و اصول و مبانی و انگیزه‌های آن از قرآن و سنت پیامبر و معصومین به دست آمده بود.

ب: اخلاص و قاطعیت در رهبری: رهبری امام خمینی یکی از ویژگی‌های مهم نهضت اسلامی ایران بود. رهبری امام، اگرچه برای همیشه به جدایی دین از سیاست

قم و ورود به منزل از طریق دیوار، ایشان را دستگیر و به تهران منتقل نمودند و در یکی از بازداشتگاه‌ها نگه داشته و پس از مدتی به پادگان عشرت‌آباد بردند. قبل از طلوع آفتاب خبر دستگیری امام در قم و سپس در سایر شهرها منتشر و موجب تشدید هیجان مردم گردید. وضعیت فوق‌العاده‌ای بر قم، تهران و دیگر شهرها حاکم گردید و درگیری‌های گسترده به تدریج از ساعت ده صبح در تهران و قم آغاز شد و کشتار در خیابانهای اطراف صحن مطهر حضرت معصومه(س) تا ساعت ۵ بعد از ظهر ادامه یافت. تعداد زیادی از مردم در روز پانزده و شانزده خرداد بازداشت و بعضی از آنها پس از مدتی مرخص و عده‌ای نیز به حبس‌های طولانی مدت محکوم شدند و حکومت نظامی اعلام شد. دستگیری، زندان، حصر و آزادی امام تا نیمه دوم فروردین ۱۳۴۳ ادامه یافت و طی این ۱۰ ماه ایران دستخوش رویدادهای فراوانی بود. رژیم با وجود امکانات تبلیغاتی وسیع و به رغم مصرف میلیون‌ها تومان توسط سفارتخانه‌های خود در کشورهای خارجی به منظور خرید صفحات جرایدو سانسور شدید مطبوعات داخلی، نتوانست بر اراده مردم مسلمان ایران فایق آید و دستگیری علما، روحانیون و دیگر قشرهای ملت نتیجه‌ای نبخشید.

رژیم که گمان می‌کرد با دستگیری امام و یارانش، سرکوب خونین قیام ۱۵ خرداد و دستگیری و تبعید یاران امام، به رویارویی خاتمه داده شد، به تدریج متوجه شد هیچ تغییری نه در مواضع امام صورت گرفته، نه از محبوبیت ایشان کاسته شده و نه مردم صحنه را خالی کرده‌اند؛ به ویژه این که بار دیگر سخنرانی‌های افشاگرانه امام که اینک در جایگاه رهبری نهضت کاملاً مورد قبول عامه بودند،





پیش از پانزده خرداد مذهب در میان بسیاری از دانشجویان و تحصیلکرده‌ها و روشنفکران به عنوان مکتبی که اساس و راهنمای مبارزه محسوب می‌شد، مورد توجه نبود. تبلیغات چند ده ساله استعمار به دست رضاخان و فرزند او و تبلیغات کمونیست‌ها که مذهب را افیون ملت‌ها می‌دانستند از یک سو و کوتاهی بعضی از روحانیون از سوی دیگر، در ذهن جوانان تصویر غلطی از اسلام به وجود آورده بود. آنان اسلام را مکتبی جامع که بتواند همه نیازهای فردی و اجتماعی انسان را برآورده سازد، نمی‌دانستند و حداکثر تصور می‌کردند دین مجموعه‌ای از آداب و عبادت‌های فردی است که ارتباطی با مسایل اجتماعی و حوادث جدید روزگار ندارد. وقتی با قیام پانزده خرداد عالیترین مقام مذهبی اسلامی - مرجع تقلید - عالیترین هدف یعنی براندازی رژیم و تأسیس حکومت اسلامی را وجهه همت خود قرار داد و عملاً با تحمل زندان و تبعید، قدم در میدان مبارزه نهاد، تبلیغات دیرینه استعمارگران و کمونیست‌ها باطل شد و مذهب مانند آتشی که در زیر خاکستر خرافات و اتهامات پنهان مانده باشد، شعله‌ور گردید و توجه بسیاری از جوانان دبیرستانی و دانشگاهی و بسیاری از نویسندگان و روشنفکران را به خود جلب کرد. وحدت مقدس روحانی و دانشگاهی و فیضیه و دانشگاه که از آرمانهای اصلی انقلاب اسلامی و از اصول اجتماعی مبارزه امام خمینی است، در حقیقت با قیام پانزده خرداد پایه گذاری شد.

۴- بر ملا شدن چهره منافقانه شاه: با نهضت پانزده خرداد پرده ریاکاری از چهره شاه و حکومت او برافتاد و شاه ناچار شد ماهیت ضددینی و ضداسلامی خود را آشکار کند و همین امر یکی از عوامل مهم آگاهی مردم و یکی از موجبات سقوط وی شد.

پیش از پانزده خرداد، از آنجا که تضاد میان اسلام و سلطنت به صراحت اعلام نشده بود شاه و ایدای او می‌توانستند در فرصتهای مناسب خود را طرفدار اسلام و مرجعیت و روحانیت وانمود کنند و با تظاهر به مذهبی بودن، برای خود در میان توده مردم مسلمان، کم و بیش پایگاهی دست و پا کنند. اما پس از پانزده خرداد برای رژیم شاه دو راه بیش باقی نمانده بود؛ یا قبول شکست در برابر نهضت اسلامی و یا مبارزه صریح با اسلام و روحانیت و مرجعیت، و شاه ناچار برای نجات خود راه دوم را انتخاب کرد. هرچند که این راه، با آنکه در ابتدا برای او پیروزی‌های زودگذری فراهم آورد، ولی وی را به صورت قطعی در سراسیمه سقوط قرار داد زیرا ماهیت منافقانه وی را بر ملا ساخت و دشمنی وی را با اسلام علنی کرد.

۵- افزایش رشد سیاسی در روحانیت و حوزه‌های علمیه و مردم: با قیام امام خمینی، روحانیون به سرعت و به مراتب بیش از گذشته وارد صحنه مسایل سیاسی - اجتماعی شدند و با مسایل مبارزاتی و اجتماعی آشنا گشتند.

قبل از آن، به دلایل گوناگون، مسایل سیاسی و اجتماعی برای بسیاری از طلاب و روحانیون حوزه‌ها، اولویت نداشت، اما وقتی امام، با آن سابقه طولانی علم و تقوی و ایمان و تسلط بر معارف اسلامی و فقهات، با استناد به قرآن و سنت، چهره سیاسی - اجتماعی اسلام را معرفی کرد، اندیشه و عمل وی همچون چراغی فرا راه حوزه‌های علمیه و روحانیونی که بسیاری از آنها از شاگردان خود ایشان بودند قرار گرفت و این روحانیون به نوبه خود رشد سیاسی خود را در ارتباط وسیعی که با مردم داشتند در مراسم و فضاهای مذهبی به توده مردم مسلمان انتقال دادند و از این طریق حساسیت و آگاهی سیاسی هم در حوزه‌های علمیه و هم در میان توده مردم مسلمان اندک اندک افزایش یافت و تکامل پیدا کرد.



انحرافی از صراط مستقیم الهی وجود نداشت، در خط مشی سیاسی و مبارزاتی آن نیز انحرافی به سوی شرق و غرب در کار نبود. امام خمینی از همان آغاز امریکا، انگلیس و شوروی را عامل بیچارگی مردم ایران معرفی کردند و مبارزه با بیگانگان را آغاز نمودند. مردم ایران عالیترین جلوه استقلال سیاسی را که ناشی از استقلال مکتبی بود در نهضت امام خمینی مشاهده می‌کردند.

و: حضور روحانیت در صحنه مبارزات: خصوصیت دیگر این نهضت حضور بسیاری از روحانیون در صحنه مبارزه بود. این ویژگی نتیجه مستقیم اسلامی بودن مبارزه بود که در درجه اول در شخصیت رهبری نهضت جلوه‌گر شده بود و به همین دلیل بسیاری از روحانیون را به صحنه مبارزه آورده بود. حضور این روحانیون در نهضت سبب گستردگی و فراگیری نهضت بود، زیرا آنان با همه قشرهای مردم ارتباط داشتند و در سراسر کشور، از شهرهای بزرگ تا بسیاری از روستاهای دورافتاده در کنار مردم زندگی می‌کردند و به دلیل اخلاق اسلامی و تقوای خود نزد مردم مورد احترام و اعتماد بودند. روحانیون به این ترتیب در برقراری ارتباط میان توده مردم و رهبری نهضت تأثیر بزرگی داشتند.

### تأثیرات سیاسی و اجتماعی قیام ۱۵ خرداد

نهضت اسلامی پانزده خرداد در جامعه ایران آثار عمیقی به جای گذاشت و در حقیقت سرنوشت سیاسی و اجتماعی آینده ایران را ترسیم کرد. پنج تأثیر مهم این نهضت به شرح زیر است:

۱- محو شدن جاذبه گروه‌های سیاسی: پس از پانزده خرداد، بازار فعالیت‌های سیاسی و غیراسلامی و مخصوصاً جریان چپ و ملی‌گرایان از رونق افتاد. امام خمینی در مبارزه، آخرین کلام را که همانا سرنوشتی رژیم بود، آشکارا اعلام کرده بود، بنابراین همه گروه‌های سیاسی که به کمتر از این حد قانع بودند جاذبه سیاسی خود را از دست دادند. کمونیسم نیز که می‌رفت تا با گذشت ده سال از حوادث ۲۸ مرداد و قبل از آن، دوباره در ایران نفسی تازه کند با قیام امام خمینی، با مانع پر قدرتی مواجه شد که نیروی آن برخاسته از ملت مسلمان بود و برخلاف کمونیست‌ها به هیچ نیروی خارجی تکیه نداشت.

۲- تکامل مبارزات سیاسی و رشد توده مردم: نهضت پانزده خرداد موجب تکامل مبارزه سیاسی مردم شد و رشد و پیش آنان را در تشخیص هدف اصلی مبارزه افزایش داد. در اثر همین تکامل بود که پس از پانزده خرداد شعار براندازی رژیم، شعار کلیه گروه‌هایی شد که قصد مبارزه سیاسی داشتند و اگر گروهی پیدا می‌شد که می‌خواست در چارچوب قانون اساسی و از طریق آزادی‌های سیاسی مبارزه کند در نظر ملت محافظه کار و سازشکار تلقی می‌شد. شعار براندازی رژیم، پس از پانزده خرداد هدف کلیه حرکت‌هایی شد که می‌خواستند برای خود پایگاهی مردمی پیدا کنند.

۳- مذهب، مکتب و اسلام به عنوان یک سیستم حکومتی:

خاتمه داد، اما انگیزه آن هیچ گونه شباهتی با انگیزه‌های سیاستمداران حرفه‌ای دنیا نداشت. بلکه قیامی الهی بود که از سر اخلاص و برای انجام وظیفه و تکلیف شرعی صورت گرفته بود و به قصد قربت به پروردگار آغاز شده بود. امام در طول این نهضت بارها فرموده‌اند که ما همانند رسول خدا(ص) و سایر انبیای الهی موظف به ادای تکلیف هستیم، آنچه برای ما در درجه اول اهمیت قرار دارد، همین ادای تکلیف است نه پیروزی. در حقیقت پیروزی واقعی ما در این است که نتوانسته باشیم به وظیفه دینی خود عمل کنیم. این اخلاص به نوبه خود در رهبری امام خمینی قاطعیتی پدید آورد که از عوامل مهم پیروزی نهضت بوده است. از آنجا که امام مبارزه را یک تکلیف شرعی می‌دانند در راه آن هرگز سازش و مماشاتی نشان ندادند، همچنان که سازش در انجام عبادات معنی ندارد.

ج: مردمی شدن مبارزه: نهضت پانزده خرداد نهضتی کاملاً مردمی بود. این نهضت به هیچ قشر خاصی تعلق نداشت. بلکه همه قشرها از شهری و روستایی و بازاری و دانشگاهی، و زن و مرد و پیر و جوان در آن شرکت داشتند. آنچه همه اقشار را به میدان مبارزه کشاند و آنها را به هم پیوند داده بود، اسلام بود. مردمی بودن نهضت نتیجه عمومی بودن و ریشه‌دار بودن مکتب آن بود. رابطه رهبری و توده‌های مردم از طریق روحانیون برقرار می‌شد که همه جا بودند و در عمق زندگی توده‌های مردم با آنان حشر و نشر داشتند. پایگاه اصلی برقراری این ارتباط نیز مساجد، مجالس دینی و سایر اماکن مذهبی از قبیل زیارتگاه‌ها و حسینیه‌ها بود.

د: مخالف با اصل سلطنت: خصوصیت مهم دیگر نهضت پانزده خرداد این بود که برخلاف عموم حرکت‌ها و مبارزه‌های قبل، هدف اصلی را نشانه گرفته بود و شاه را مقصر اصلی می‌دانست. پیش از این نهضت، سیاستمداران و مبارزان سیاسی یا جرات مخالفت با اصل رژیم سلطنتی را نداشتند و یا اصولاً به براندازی آن معتقد نبودند و یا احیاناً با مطرح کردن شعار «شاه باید سلطنت کند نه حکومت» به وجود شاه مشروعیت می‌دادند. آنان درصدد بودند تا با انتقاد از دولت و با قوانین انتظامی، آزادی‌هایی کسب کنند و روزنامه و نشریه‌ای داشته باشند و بتوانند نمایندگان به مجلس بفرستند. آنان می‌خواستند با بودن ریشه، با شاخه مبارزه کنند. اما ویژگی حرکتی که به رهبری امام خمینی آغاز شد این بود که حرف دل مردم را که شاه و دربار را عامل فسادهای داخلی و خیانت‌های بیگانگان می‌دانستند، شعار خود قرار داده بود و تیشه بر ریشه رژیم پوسیده و کهن و فاسد سلطنتی می‌زد.

ه: بیگانه ستیزی: ویژگی چهارم نهضت اسلامی پانزده خرداد این بود که هیچ نوع گرایشی، نه در مکتب و نه در عمل، به بیگانه نداشت. این نهضت به دلیل اسلامی بودنش از بطن مردم جوشیده بود. از آنجا که در اندیشه اسلامی نهضت،